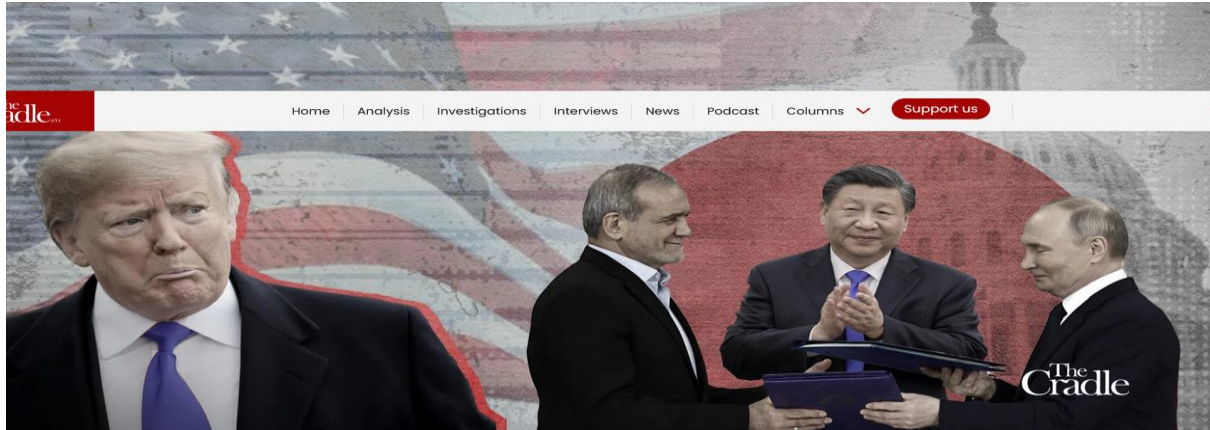




نویسنده: پیپ ایسکوبار «pepe escobar» .
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-04-08» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»



روسیه-ایران-چین: همه برای یکی و یکی برای همه؟

Russia–Iran–China: All for one, and one for all?

اگرچه شاید هنوز برای واشنگتن آشکار نباشد، اما جنگ ایالات متحده علیه ایران به عنوان جنگی علیه روسیه و چین نیز تلقی خواهد شد. هم پوتین و هم شی می‌دانند که جنگ ترامپ به‌طور منحصربه‌فرد به «تغییراتی که با هم انجام می‌دهند» است

Although perhaps not yet obvious to Washington, a US war on Iran will be viewed as one against Russia and China too. Both Putin and Xi know that Trump's war is singularly directed at the transformational global 'changes they are driving together.'

روسیه و ایران در خط مقدم فرآیند ادغام چندلایه اوراسیا - حیاتی ترین توسعه ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم جوان هستند.

هر دو از اعضای ارشد BRICS+ و سازمان همکاری شانگهای (SCO) هستند. هر دوی به طور جدی به عنوان رهبران اکثریت جهانی برای ساختن جهانی چند گرهی و چند قطبی دخالت دارند. و هر دو در اواخر ژانویه در مسکو، یک مشارکت استراتژیک مفصل و جامع را امضا کردند.

دولت دور دوم دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، که با شیطنتهای «حداکثر فشار» به کار گرفته شده توسط خود رینگ مستر بمب افکن سیرک شروع شد، به نظر می رسد که این الزامات را نادیده می گیرد.

این بر عهده وزارت خارجه روسیه بود که عقلانیت را در چیزی که به سرعت تبدیل به یک مسابقه فریادهای غیرقابل کنترل می شد، بازگرداند: اساساً مسکو، در کنار شریک خود تهران، تهدیدهای خارجی بمباران زیرساخت های هسته ای و انرژی ایران را نمی پذیرد، در حالی که بر جستجوی راه حل های مذاکره قابل قبول برای برنامه هسته ای جمهوری اسلامی اصرار می ورزد.

و سپس، درست مانند رعد و برق، روایت واشنگتن تغییر کرد. استیون ویتکاف، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور خاورمیانه - نه دقیقاً یک مترنخ، و قبلاً یک تندرو "فشار حداکثری" - شروع به صحبت در مورد نیاز به "اعتماد سازی" و حتی "حل اختلافات" کرد، به این معنی که واشنگتن شروع به "در نظر گرفتن جدی" مذاکرات غیرمستقیم هسته ای کرد.

این پیامدها بعد از ظهر روز دوشنبه زمانی که ترامپ ظاهراً بنیا مین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل را با اعلام «جلسه بسیار بزرگ» با مقامات ایرانی در چند روز آینده چشم پوشی کرد، به واقعیت تبدیل شد. تهران بعداً این خبر را تأیید کرد و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران گفت که او روز شنبه در عمان با ویتکاف مذاکره خواهد کرد.

گویی ترامپ حداقل به استدلال های آیت الله علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی گوش داده است. اما پس از آن دوباره، او می تواند نظر خود را در یک دقیقه ترامپ در نیویورک تغییر دهد.

نقاط ظریف محور روسیه-ایران-چین

پیشینه اساسی برای رمزگشایی از معمای «آیا روسیه به ایران کمک خواهد کرد» را می توان در این مبادلات کاملاً دیپلماتیک در باشگاه والدای در مسکو یافت.

نکات کلیدی توسط الکساندر ماریاسف، سفیر روسیه در ایران از سال 2001 تا 2005 بیان شد. ماریاسف استدلال می‌کند که معاهده روسیه و ایران نه تنها یک نقطه عطف نمادین است، بلکه "به عنوان یک نقشه راه برای پیشبرد همکاری ما در تقریباً همه حوزه ها عمل می‌کند." این بیشتر یک "سند روابط دوجانبه" است - نه یک معاهده دفاعی.

این معاهده به طور گسترده مورد بحث قرار گرفت - سپس تصویب شد - به عنوان نقطه مقابلی برای «فشار شدید نظامی-سیاسی و اقتصادی اعمال شده توسط کشورهای غربی بر روسیه و ایران».

تابستان گذشته دوهیئت مختلف یمنی از مسکو دیدن کردند. همانطور که من شاهد آن بودم هیئت صناع برای برگزاری جلسات رسمی با مشکلات بوروکراسی عظیمی مواجه شد.

البته در محافل اطلاعاتی و نظامی مسکو با انصار الله همدردی وجود دارد. اما همانطور که در صنعا با یکی از اعضای شورای عالی سیاسی تا بید شد، این تماس ها از طریق "کانال های ممتاز" و نه نهادی صورت می‌گیرد.

همین امر در مورد حزب الله لبنان نیز صدق می‌کند، که متحد کلیدی روسیه در سرکوب داعش و سایر گروه های افراطی اسلام گرا در طول جنگ سوریه بود. وقتی صحبت از سوریه می‌شود، تنها چیزی که واقعاً برای مسکو رسمی مهم است، پس از قدرت گرفتن افراط گرایان مرتبط با القاعده در دمشق در دسامبر گذشته، حفظ پایگاه های روسیه در طرطوس و حمیمیم است.

شکی نیست که شکست سوریه یک شکست بسیار جدی برای مسکو و تهران بود که با تشدید بی وقفه ترامپ بر سر برنامه هسته ای ایران و وسواس "فشار حداکثری" او تشدید شد.

ماهیت معاهده روسیه و ایران به طور اساسی با پیمان روسیه و چین متفاوت است. برای پکن، مشارکت با مسکو آنقدر محکم است، آنقدر پویا توسعه می‌یابد که حتی نیازی به معاهده هم ندارد: آنها یک «مشارکت استراتژیک جامع» دارند.

وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، در سفر اخیر خود به روسیه، پس از ابداع مروارید - «کسانی که در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنند اما در بلوک های جنگ سرد و بازی های حاصل جمع صفر فکر می‌کنند، نمی‌توانند همگام با زمانه باشند» - روابط چین و روسیه را در سه بردار خلاصه کرد: دو غول آسیایی «دوست همیشگی و هرگز دشمن نیستند». «برابری و همکاری متقابل سودمند؛ عدم همسویی با بلوک ها؛ عدم رویارویی و عدم هدف قرار دادن اشخاص ثالث. بنابراین حتی با وجود یک معاهده روسیه و ایران، بین چین و روسیه، و چین و ایران، ما اساساً شراکت نزدیکی داریم.

به عنوان مثال، شاهد پنجمین تمرین دریایی مشترک سالانه روسیه، ایران و چین باشید که در ماه مارس در خلیج عمان برگزار شد. این هم افزایی سه جانبه جدید نیست. سالها در دست توسعه بوده است.

اما تنبلی است که این مثلث RIC پریماکوف (روسیه - ایران - چین به جای روسیه-هند-چین) را به عنوان یک اتحاد توصیف کنیم. تنها «اتحادی» که امروز در صفحه شطرنج ژئوپلیتیک وجود دارد، ناتو است - یک لباس جنگ طلب متشکل از رعیت های مرعوب که توسط امپراتوری آشوب به هم پیوسته اند.

به یکی دیگر از مرواریدهای یشم وانگ یی که مقاومتش سخت است: «ایالات متحده بیمار است، اما دیگران را مجبور به مصرف دارو می کند.» نکات مهم: روسیه در حال تغییر سمت نیست. چین محاصره نخواهد شد و از ایران دفاع خواهد شد.

وقتی مثلث جدید پریماکوف در پکن ملاقات می کند

در بحث والدای، دانیال مشکین رنجبر، استادیار گروه تئوری و تاریخ روابط بین الملل در دانشگاه RUDN مستقر در مسکو، به نکته مهمی اشاره کرد: «برای اولین بار در تاریخ، دیدگاه های دیپلماتیک روسیه و ایران به هم نزدیک می شوند». او به شباهت های آشکار بین سیاست های رسمی اشاره می کند: «چرخش به شرق» روسیه و سیاست های «نگاه به شرق» ایران.

همه آن ارتباطات متقابل آشکارا از دولت جدید واشنگتن فرار می کنند، و همچنین لفاظی های توهین آمیز ترامپ و نتانیاهو که در واقعیت پایه و اساس صفر دارد - حتی شورای امنیت ملی ایالات متحده اعتراف کرد که ایران روی بمب هسته ای کار نمی کند.

و این ما را به تصویر بزرگ می رساند.

رئیس حلقه سیرک - حداقل تا زمانی که دوباره نظرش را تغییر دهد - اساساً روی یک قرارداد مثلثی کار می کند، ظاهراً به روسیه چارچوب حمل و نقل، دسترسی به صادرات غلات در دریای سیاه و بانک های روسیه را از لیست تحریم سوئیفت ارائه می دهد تا بتواند «محور» خود را برای حمله به ایران اجرا کند (مهلت تا تهران شامل مهلت).

و اگر روسیه از ایران دفاع کند، توافقی وجود ندارد.

این به همان اندازه دروغین است که «پیشنها دی که نمی توانی رد کنی» به سبک مافیایی که فشار حداکثری ممکن است ایجاد کند. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه - یک دیپلمات فوق العاده توانا - کل منطق را از بین برد: "روسیه نمی تواند پیشنهاد های ایالات متحده برای پایان دادن به جنگ در اوکراین را به شکل فعلی

بپذیرد، زیرا آنها مشکلاتی را که مسکو علت درگیری می داند حل نمی کند." حتی در شرایطی که مسکو "مدل ها و راه حل های پیشنهادی آمریکاییها را بسیار جدی می گیرد."

از آنجایی که زاویه روسیه از مثلث سازی ترامپ متزلزل می شود، تهران صرفاً جریان رودخانه را تماشا نمی کند. این که چگونه ایران برای دهه ها با سونامی تحریم ها سازگار شد، اکنون دانش محکمی است که عمیقاً با مسکو به اشتراک گذاشته شده است، بخشی از همکاری عمیق آنها که در این معاهده گنجانده شده است.

با وجود همه نوسانات ترامپ، صداها ی غیر صهیونیستی در سراسر کمر بند به آرامی اما مطمئناً این دیدگاه منطقی را نشان می دهد که جنگ علیه ایران برای خود امپراتوری کاملاً انتحاری است. بنابراین، احتمال اینکه رگبار های لفظی ترامپ 2.0 ممکن است راه را برای یک توافق موقت هموار کند که تا سرحد مرگ به پایان می رسد - به هر حال، این همیشه نبرد روایت ها است - به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک باز می شود.

می توان شرط بندی کرد که تنها رهبر روی کره زمین که می تواند ترامپ را متوجه واقعیت کند، رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین در تماس تلفنی بعدی خود است. به هر حال، این خود رینگ مستر سیرک است که درام نوسازی شده «ایران هسته ای» را خلق کرده است. RIC - یا مثلث اصلاح شده پریماکوف - به طور مناسب در یک نشست مهم، محتاطانه و غیر علنی اخیر در پکن که توسط منابع دیپلماتیک تأیید شده است، با هم به آن پرداخت.

اساساً، RIC نقشه راه «ایران هسته ای» را تهیه کرده است. این نکات برجسته هستند:

- گفتگو. بدون تشدید بدون "فشار حداکثر". حرکات گام به گام. ایجاد اعتماد متقابل.
- در حالی که ایران بر وتوی خود بر تولید سلاح های هسته ای تأکید می کند، «جامعه بین المللی» مورد بحث، در واقع شورای امنیت سازمان ملل، با ردیگر حق ایران برای داشتن انرژی صلح آمیز هسته ای بر اساس NPT را به رسمیت می شناسد.
- بازگشت به برجام - و آن را راه اندازی مجدد کنید. برای بازگرداندن ترامپ، راه اندازی مجدد کار بسیار سختی خواهد بود.

این نقشه راه در دور دوم مذاکرات سه جانبه RIC در روز سه شنبه در مسکو تصویب شد، جایی که مقامات ارشد کشورهای متحد درباره تلاش های مشترک برای رسیدگی به چالش های پیش روی ایران بحث کردند.

آن نشست در مسکو

همانطور که مطرح است، نقشه راه دقیقاً همین است: یک نقشه. محور نفس گیر صهیونیست ها از واشنگتن تا تل آویو همچنان اصرار می کند که ایران در صورت حمله

مورد حمایت روسیه قرار نمی‌گیرد و «فشار حداکثری» اضافی و بی‌وقفه، تهران را مجبور خواهد کرد که در نهایت حمایت خود از محور مقاومت را کاهش دهد و دست بردارد.

همه اینها یک بار دیگر از واقعیت دوری می‌کند. برای مسکو، ایران یک اولویت کاملاً ژئوپلیتیکی است. فراتر از ایران، در شرق، آسیای مرکزی است. فانتزی و سواس آمیز رژیم صهیونیستی مبنی بر تغییر رژیم در تهران، نفوذ نا تو به آسیای مرکزی، ساخت پایگاه‌های نظامی و در عین حال مسدود کردن چندین پروژه راهبردی ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) را پنهان می‌کند. ایران برای سیاست خارجی بلند مدت چین به همان اندازه برای روسیه ضروری است.

تصادفی نیست که روسیه و چین در سطح ریاست جمهوری - **ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ** - در نشستی در مسکو در حوالی 9 ماه مه، روز پیروزی در جنگ بزرگ میهنی، ملاقات خواهند کرد. آنها به طور مفصل مرحله بعدی "تغییراتی را که در 100 سال گذشته ندیده ایم" را تجزیه و تحلیل خواهند کرد، همانطور که **شی جینپینگ به پوتین** در تابستان پیشگامانه خود در سال 2023 در مسکو فرموده شد.

آنها، البته، در مورد چگونگی رؤیای تعطیل کردن یک جنگ برای همیشه لطفاً برای شروع جنگ دیگر بحث خواهند کرد: شبیح حمله ایالات متحده و اسرائیل به شریک استراتژیک آنها ایران - که با ضربات متقابل مسدود کردن تنگه هرمز (ترانزیت برای 24 میلیون بشکه نفت در روز) انجام می‌شود. یک بشکه نفت به 200 دلار و حتی بیشتر می‌رسد. و فروپاشی انبوه 730 تریلیون دلاری مشتقات در اقتصاد جهانی.

نه، رئیس سیرک رینگ مستر: شما کارت ندارید.

----- **با تقدیم احترامات «2025-04-09»** -----
.....